

ظرفیت‌های ادبیات داستانی برای گسترش معنویت اسلامی

زکریا فصیحی^۱

چکیده

بشر امروز که از زندگی صنعتی و بحران‌های اخلاقی در رنج است، دنبال وسیله‌ای برای نجات از این وضعیت و رسیدن به آرامش می‌گردد. داستان یکی از خواسته‌های دائم بشر بوده و تا امروز نیز چنین است. از سویی برخی از فرهیختگان دنیا به حقانیت اسلام و معنویت ناشی از آن پی برده‌اند. در چنین موقعیتی، معرفی معنویت اسلامی به جویندگان معنویت اصیل، از ضروریات پژوهشی به نظر می‌رسد. در این میان، چنانکه ظرفیت و کارایی ادبیات داستانی در بیداری و آگاهی مردم برای برخی از انقلاب‌های جهان بر کسی پوشیده نیست، برای گسترش معنویت اسلامی نیز بستر بسیار مناسبی است. با توجه به جایگاه جهانی ادبیات داستانی، این تحقیق با روش تحلیلی توصیفی در پی جواب به این پرسش است که «ادبیات داستانی برای گسترش معنویت اسلامی در جهان، از چه نقش و ظرفیت‌هایی برخوردار است؟» فرضیه تحقیق این است که ادبیات به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم انسانی، ظرفیت بالایی برای ترویج معنویت دارد. لذا ادبیات داستانی با قدرت تأثیرگذاری که دارد، می‌تواند حامل موضوع و درون‌مایه معنوی باشد و ارزش‌های معنوی را در قالب اوصاف شخصیت‌ها و قهرمان‌هایش به مخاطبان القا و تفهیم کند. هجوم معنویت‌های نوپدید کاذب، ضرورت معرفی معنویت اصیل اسلامی را اقتضا می‌کند، لذا هدف این تحقیق معرفی نقش و ظرفیت‌های ادبیات داستانی برای گسترش معنویت اسلامی است.

واژگان کلیدی: معنویت، معنویت اسلامی، گسترش معنویت، ادبیات داستانی، ادبیات متعهد.

۱. دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی و دکتری جریان‌های کلامی معاصر جامعة المصطفی العالمیه. قم. zfs110@gmail.com



مقدمه

معنویت اسلامی همان روح واقعی اسلام است که ظرفیت جهانی بودن و جهانی شدن آن را قرآن معرفی کرده است؛ زیرا اسلام جهانی است و برای همه جهانیان آمده است. یکی از راه‌های عرضه این روح معنوی، در کالبد کلمات است. قدرت کلمات نیز در اسلام تایید شده است؛ زیرا معجزه جاودان آن (قرآن) متشکل از کلمه و کلام است. پس کلمه و ادبیات می‌تواند پیام‌رسان خوب مضامین و آموزه‌های جهان‌شمول اسلام برای جهانیان باشد. امروزه «تقاضا» فراوان است؛ هم تقاضای اسلام و معنویت و هم تقاضای ادبیات داستانی. پس برای پاسخ درست و اشباع‌کننده به این تقاضا، باید از شیوه‌های درست و کارآمد «عرضه» استفاده کرد. در این راستا یکی از بهترین روش‌های عرضه معنویت اصیل اسلامی، استفاده از ظرفیت ادبیات داستانی است.

نسل امروز بشر، به دلایل خاص از جمله سیطره فضای مجازی و رسانه، کم‌حوصله و بیشتر در گرو احساسات و عواطف است تا عقل و استدلال. حتی کسانی که جذب گروه‌های تکفیری و تروریستی و آماده انتحار می‌شوند، تحت تأثیر عواطف و احساسات خود تصمیم می‌گیرند و تسلیم می‌شوند. ادبیات همواره برای بیان آرمان‌های بلند بشری و بیداری و آگاهی جوامع، مناسب‌ترین تریبون و حتی برای براندازی جریان‌های استبدادی یکی از کارآمدترین سلاح‌های مردمی بوده است. این نشانه قدرت ادبیات است. بنابراین با ادبیات داستانی معنویت محور به دلیل قدرت جذب و تأثیرگذاری که دارد، می‌توان عواطف مخاطبان را کنترل کرد، دست طیف کلانی از نسل امروز را گرفت و به سمت اسلام و معنویت اسلامی آورد، در تغییر نگرش غلط یا خرافی مخاطب، آوردن آرامش روانی، ارائه راه‌های برون‌رفت از مشکلات نگرشی و روانی، اصلاح برداشت‌ها و باورهای نادرست یا خرافی، از آن کمک گرفت. پس ادبیات داستانی می‌تواند برای گسترش معنویت اصیل و اسلامی بستر بسیار مناسبی باشد.

پیشینه پژوهش: روان‌شناسان، مربیان و نهادهای تربیتی - آموزشی در زمینه نقش



درمانی و تربیتی - آموزشی قصه و داستان، کتاب و مقالات زیادی نوشته‌اند؛ اما با جستجویی که در پایگاه‌های معتبر علمی و کتابخانه‌ای، از جمله پایگاه کتابخانه ملی ایران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران، پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه‌های سراسر کشور، ایران داک و نورمگز صورت گرفت، اثر مستقل یا مشابهی که رابطه ادبیات داستانی و معنویت را پوشش بدهد، در قالب کتاب، پایان‌نامه یا مقاله پژوهشی یافت نشد. این نشان می‌دهد که چنین اثری تاکنون عرضه نشده است.

فرضیه پژوهش: ادبیات داستانی به عنوان شاخه‌ای از علوم انسانی برای معرفی و گسترش معنویت اسلامی از ظرفیت بالایی برخوردار است؛ زیرا در تمام سنین مورد اقبال جوامع انسانی بوده است. آزمایش‌های علمی نیز کارایی آن را در زمینه یادگیری و تأثیر بر مغز انسان ثابت کرده و از همه مهم‌تر اینکه استفاده از داستان یکی از روش‌های تربیتی قرآن کریم است. بنابراین فرضیه این تحقیق از پشتوانه قرآنی، تاریخی و علمی برخوردار است.

ضرورت پژوهش: امروزه هرچند رسانه‌های دیداری و شبکه‌های اجتماعی بخش مهمی از اوقات فراغت مردم را گرفته است؛ اما ادبیات داستانی (رمان و داستان) در میان مردم همچنان پرطرفدار است. توجه مردم به رمان و داستان هر عاملی که داشته باشد، مضمون جذابی که بتواند روح خسته از زندگی روزمره مخاطب را به آرامش برساند و با استفاده از فن همذات‌پنداری همراه خود کند، قطعاً تأثیرگذار واقع می‌شود. حال این مضمون اگر معنوی و مطابق فطرت مخاطب باشد، این تأثیرگذاری ارزندگی خاص خود را خواهد داشت. بنابراین ادبیات داستانی وظیفه خطیری دارد که درواقع به عهده نویسندگان است. بر همین اساس این شاخه از علوم انسانی، از ظرفیت بالایی برای پالایش و گسترش مضامین انسانی و معنوی برخوردار است. ظهور گروه‌ها و جریان‌های نوپدید معنوی و گرویدن جوامع به آن‌ها، عملاً این شعار دینی را ثابت کرده که «معنویت یک نیاز فطری برای بشر است». البته گرایش انسان‌ها به فرقه‌ها و نحله‌های نوپدید معنوی، از یک سو پاسخی به این خواسته فطری و از سوی دیگر در دسترس نبودن معنویت اصیل و مطابق با فطرت



انسان‌ها است. اگر صدای ناب معنویت اصیل به گوش معنویت خواهان جهان برسد و اگر مصادیق معنویت واقعی به آن‌ها معرفی شود و اگر مزه معنویت اسلامی نصیب کام جان آن‌ها و آثار ملکوتی معنویت اسلامی وارد زندگی آن‌ها شود، قطعاً همه معنویت خواهان به معنویت اسلامی می‌گروند. لذا تحقیق در راستای معرفی ظرفیت‌های ادبیات داستانی برای گسترش معنویت اسلامی به عنوان یکی از نیازهای امروز بشر، بسیار ضروری می‌نماید.

هدف پژوهش: معرفی و تبیین ظرفیت‌های ادبیات داستانی به عنوان یکی از شاخه‌های علوم انسانی، برای گسترش معنویت اسلامی در راستای منویات مقام معظم رهبری حفظه الله در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، هدف اصلی این مقاله است؛ اما به دلیل کمبود منبع و ظرفیت محدود مقاله، حق مطلب ادا نشده است. این تحقیق در واقع یک طرح کلان و کلی است که ظرفیت عرضه شدن در قالب کتاب را دارد. ان شاء الله نگارنده در فرصت مناسب برای این منظور اقدام خواهد کرد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. معنویت

واژه معنویت با اصالت عربی به این صورت (مصدر جعلی از ریشه عنی) پیشینه کاربردی در زبان کهن فارسی ندارد. بلکه به عنوان معادل برای واژه غربی اسپیریچوالتی (spirituality) وضع شده است؛ واژه‌ای که «در لغت‌نامه‌های غربی، به معنای روحانی یا کشیش بودن و حساس بودن به ارزش‌های دینی» (شاکر نژاد، ۱۳۹۷: ۳۶) آمده است. در لغت‌نامه‌های فارسی و عربی، بیشتر به صورت معنوی به کار رفته که منسوب به معنی، خلاف مادی، (مهیار، ۱۳۷۵: ۸۴۲) چیزی که فقط با قلب درک می‌شود، (جرجانی، ۱۴۱۲: ۶۹) حقیقی، باطنی، روحانی، در مقابل صوری و ظاهری، (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۴: ۲۱۱۹۰ و ۲۱۱۹۱) و در برخی فرهنگ لغت‌ها هم



به مجموعه‌ای از جنبه‌های فکری، اخلاقی، فرهنگی و عاطفی انسان و محصولات فکری او (انوری، ۱۳۸۱: ۷، ۱۷۸۲) اطلاق شده است. برخی از دانشمندان اسلامی نیز آن را به معنای «ارزش‌های اخلاقی، (مطهری، بی‌تا: ۲۲، ۶۷۰) حالات عرفانی، (همو: ۲۱، ۱۶۰) و نگرشی به عالم و آدم که به انسان، آرامش، شادی و امید دهد» (ملکیان، ۱۳۸۱: ۳۷۶) به کار برده‌اند. البته «در زبان فارسی دو گستره اصلی مفهومی برای این واژه وجود دارد. یکی گستره مفهومی با ایجاد تقابل میان معنوی و لفظی که در حوزه ادبیات فارسی مطرح است و دیگری گستره مفهومی با ایجاد تقابل بین معنوی و صوری که در حوزه عرفان قابل پیگیری است». (شاکر نژاد و تاره، ۱۳۹۷: ۷)

۲-۱. معنویت اسلامی

اصل معنویت خواهی که همان میل انسان به تعالی و تکامل باشد، فطری بشر است. چنانکه «حقیقت خواهی، حقیقت جویی، مسئله علم، دانایی و کشف حقایق، هنر و زیبایی، خلاقیت، عشق و پرستش، (مطهری، بی‌تا: ۳، ۴۵۸) عشق به کمال مطلق که خدا است، ریشه در فطرت بشر دارد. (مطهری، بی‌تا: ۲۳، ۱۴۸) اصلاً قرآن از فطری بودن اصل دین سخن می‌گوید. (روم: ۳۰) آنچه انسان را به انحراف می‌کشاند، انتخاب راه و راهبر و روش اشتباه برای رسیدن به این خواست باطنی و فطری او است. اینجا است که ارسال انبیا و کتاب‌های آسمانی برای راهنمایی بشر، ضروری می‌شود تا طبق فرمایش امیرالمؤمنین^(ع) عقل دفن شده و خواب‌رفته بشر را برای شناخت راه حق و کمال حقیقی بیدار نمایند. بنابراین اسلامی بودن معنویت به این معنا است که مصادیق و مؤلفه‌های آن برگرفته از متن کتاب آسمانی و طبق سیره و سنت فرستاده برحق خدا و اهل بیت او است؛ همانان که مفسران واقعی و حقیقی قرآن و دینند.

جوهر معنویت واقعی خدا باوری است. آنچه را منهای خدا و شریعت معنویت می‌نامند، معنویت کاذب و ساخته اوهام و خیال برخی افراد شیاد یا در مانده بشر

۱. وَ يُبَيِّرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ. نهج البلاغه، خ ۱.

است. بنابراین معنویت اسلامی، در یک تعریف انتزاعی عبارت است از «مجموعه صفات و اعمالی که حال و جاذبه‌ی شدید منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را به خداوند عالم نزدیک نماید». (ر.ک: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۱) این نوع معنویت، «نتیجه نوعی سیر باطنی و ارتباط درونی با امور متعالی و حقایق غیرمادی است که برخاسته از بینش و انتخاب آگاهانه، بندگی خدا و تهذیب نفس بوده و نتیجه آن، اولویت دادن به ارزش‌های متعالی، یافتن نگرشی الهی به هستی و زندگی توأم با بندگی خدا است». (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۱۳۶) «معنویت به معنای تعالی طلبی و بی‌قراری از ویژگی‌های فطری انسان است و دین نقش امضایی در این خصوص دارد؛ هرچند به وضوح می‌توان دریافت که دانش فطری، کفایت از منبع و حیانی نمی‌کند و انسان معنوی برای تکامل غایی خویش، نیازمند وحی است». (غفاری، ۱۳۹۷: ۳۵)

۳-۱. ادبیات داستانی

ادبیات در کلیت خود یکی از شاخه‌های علوم انسانی است؛ زیرا «علوم انسانی، دانش‌هایی ناظر به حالات، شئون و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان است. البته حالات و شئون انسانی گاهی از نوع حالات فیزیولوژیک و طبیعی آدمی اند و گاهی از نوع حالاتی که منسوب به انسانند. آنچه مورد مطالعه‌ی علوم انسانی است، حالات و شئون نوع دوم است» (ر.ک: فنائی اشکوری، ۱۳۷۷: ۳۰-۳۲) که به نحوی ادبیات را نیز شامل می‌شود. «[ادبیات داستانی] به آن دسته از آثار روایی منشور اطلاق می‌شود که جنبه خلاقه آن‌ها بر واقعیت غلبه دارد و شامل قصه، داستان کوتاه، داستان بلند، رمان و رمان کوتاه می‌شود. موضوعات مورد توجه ادبیات داستانی معمولاً تخیلی و ساخته و پرداخته یک ذهن خلاق است و به بیان امور حقیقی یا حقایق تاریخی نمی‌پردازد؛ (داد، ۱۳۸۵: ۲۶) اما در عرف نقد امروز به [هر نوع] آثار روایی خلاقه منشور، ادبیات داستانی می‌گویند. بنابراین هر اثر روایی منشور خلاقه‌ای که با دنیای واقعی ارتباط معناداری داشته باشد، در حوزه ادبیات داستانی قرار می‌گیرد». (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۲۹)



با توجه به این تعاریف، مهم‌ترین ویژگی ادبیات داستانی خلاقیت و نوآوری آن است که از ذهن و فکر خلاق و تخیل قدرتمند نویسنده ناشی می‌شود. بنابراین اگر نویسنده، به آموزه‌های اسلامی از جمله اخلاق و معنویت اسلامی متبحر و متعهد باشد، می‌تواند توان هنری خود را از دریچه ادبیات داستانی در جهت گسترش معنویت و اخلاق و تربیت اسلامی به کار گیرد؛ طوری که هم کار هنری کرده باشد و هم کار معنوی و اسلامی و هم خدمتی برای بشر در راستای تربیت اخلاقی و معنوی او.

۴-۱. ادبیات متعهد (هنر مقدس)

«ادبیات متعهد، گونه‌ای از ادبیات منظوم یا منثور است که متعهد و ملتزم به پرداختن به آرمان‌های اقشار فرودست جامعه و در خدمت آزادی و عدالت است». (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۱۱) شاخصه مهم ادبیات متعهد بر اساس این تعریف، همان ملتزم بودن به مضمون خاص و در خدمت آن بودن است. این مضمون خاص می‌تواند آزادی، عدالت، ملیت، مذهب، معنویت و... باشد.

ادبیات داستانی هنر است؛ اما می‌شود به آن تعهد و تقدس بخشید که فراتر از تکنیک و زیبایی خاص و محض، هنر مقدس باشد. «مقدس در گفتمان اسلامی چیزی است که محتوای الهی داشته باشد یا امر الهی در آن حاضر و جاری باشد»، (اعوانی، ۱۳۷۵، ۳۱۸) پس می‌شود با تزریق محتوای الهی و معنوی به ادبیات، آن را تقدس بخشید که در عین هنر بودن، بشر حیران و صنعت‌زده امروزی را برای رسیدن به معنای زندگی و کمال نیز کمک کند. «هنر مقدس فراتر از احساسات و عواطف است؛ زیرا: ۱. تابع قواعد و قوانین عینی و الهی است؛ ۲. برخاسته از تعقل و شهود و نفس کمال‌یافته است و چنین چیزی نمی‌تواند امر صرفاً عاطفی و ذهنی باشد؛ ۳. راه وصول به حقیقت است؛ یعنی با هنر مقدس می‌شود به حقیقت یک فرهنگ و حتی به حقیقت یک دین رسید. هنر مقدس نه ذهنی و سوپرویکتیو است و نه عاطفی و اعتباری، بلکه واقعیت عینی دارد و از بطن وحی برخاسته است». (اعوانی، ۱۳۷۵، ۳۲۲-۳۲۱) لازمه چنین هنری، عینیت‌بخشی است. نویسنده متعهد آنچه را در اثر تعقل و شهود در ذهن دارد و آن را برای سعادت و کمال جامعه بشری مفید می‌داند، در

قالب داستان بر مخاطب عرضه می‌کند. بنابراین ادبیات داستانی صورت عینیت یافته تفکر و تعقل و تخیل نویسنده متعهد است و چون در پرده داستان و رمان به نمایش گذاشته می‌شود، تأثیرگذار نیز است.

هرچند وسیله یا در خدمت اهداف دیگر قرار دادن هنر، مخالفانی دارد که طبق دیدگاه خود از استقلال هنر (ادبیات) دفاع می‌کنند و شعار «هنر برای هنر» سر می‌دهند؛ اما در خدمت اندیشه و باور بودن هنر (ادبیات) نیز طرفداران خود را دارد. ادبیات متعهد بر این اساس ایجاد شد و نمود یافت. «اصطلاح ادب متعهد یا الادب الملتزم در قرن نوزدهم میلادی در اروپا پدید آمد و در حقیقت از شاخه‌های مکتب واقع‌گرایی در اروپا است. ناقدان و صاحب‌نظران، معیارهای متفاوتی را در تعریف ادب متعهد مدنظر قرار داده‌اند؛ معیارهای مانند اخلاق و تربیت، دین، ملیت، مسائل اجتماعی و مسائل انسانی». (ر.ک. رسولی، ۱۳۸۴: ۷۳-۸۲) این یعنی متعلق تعهد یا همان مضمون ادبیات متعهد هر چیزی می‌تواند باشد؛ اما اینجا منظور به طور کلی آموزه‌های اسلامی و به طور خاص، معنویت اسلامی است که به نحوی شامل آموزه‌های اسلامی نیز می‌شود. بنابراین با نگاه دینی که دین و آموزه‌های دینی را در رأس امور قرار می‌دهد، ادبیات باید در خدمت اندیشه و باورهای دینی باشد (ادبیات متعهد)، تا انسان‌ها را در مسیر کمال‌یابی کمک کند.

۲. گستره معنویت و هدف معنویت اسلامی

منظور از گستره معنویت که همان زیست خدامحورانه است، یکی جهان‌شمول و انسان‌شمول بودن آن و یکی زندگی‌شمول بودن آن است. بر اساس بینش اسلامی تمام اعضا و جوارح انسان مسئولند؛ (اسراء: ۳۶) یعنی در قبال کارکردهای خود باید پاسخگو باشند. بنابراین معنویت یا خداگرایی می‌تواند تمام زوایای حیات فردی، اجتماعی، خانوادگی و تمام افعال، افکار، انگیزه‌ها، گرایش‌ها و گزینش‌های انسان را در عرصه‌های اعتقادی، عبادی، سیاسی، تجاری، علمی (پژوهش و تعلیم و تعلم)، اخلاق، فرهنگ، آداب اجتماعی و خلاصه سبک زندگی را شامل شود؛ «زیرا



گوهر معنویت را خداگرایی و خدامحوری تشکیل می‌دهد. پس هر آنچه در زندگی انسان رنگ و رایحهٔ رحمانی داشته باشد، می‌تواند در قلمرو معنویت جای گیرد». (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۵)

برای گسترش معنویت با این گسترهٔ وسیعی که دارد، به یک مهندسی خاص فرهنگی نیاز است. البته پرواضح است که برای اسلام و مسلمانان استیلای فرهنگی و شکست فرهنگ‌های متضاد با فرهنگ اسلامی، اصل و هدف نیست، بلکه مقصود خدمت به بشریت و هموار کردن زمینهٔ سعادت و کمال حقیقی انسان‌ها است. چنانکه هدف اسلام و قرآن علاوه بر استقرار قسط و عدل در جامعهٔ بشری (حدید: ۲۵)، ارائهٔ طریق کمال به انسان (انسان: ۳) و راه نمودن از تاریکی و گمراهی به روشنایی و نجات بوده است. (ابراهیم: ۱) بنابراین معرفی اسلام و گسترش معنویت اسلامی در این عصر معنویت‌خواهی، به عنوان خدمتی به اسلام و انسان یک فریضه است تا وجدان‌های معنویت‌خواه از حیرانی و سردرگمی نجات یابند و از افتادن در دامان معنویت‌های کاذب و خودتعریف شدهٔ انحرافی در امان بمانند.

از سویی اگر اخلاق و معنویت، سبک زندگی انسان‌ها و مخصوصاً اصناف و اقشار جامعه را فرا بگیرد، بسیاری از کاستی‌ها و پلیدی‌های جاری در جامعه از میان می‌رود. اینکه در جوامع انسانی و حتی اسلامی پلیدی‌ها و بی‌اخلاقی‌ها در عرصهٔ سیاست، اقتصاد حتی فرهنگ و اخلاق و روابط، از تقلب و بی‌آبرو کردن رقبا در انتخابات و... گرفته تا کم‌فروشی و گران‌فروشی خرده‌فروشان و احتکار و خیانت در کیفیت کالاهای تولیدی و... به چشم می‌خورد، از نبودن و نهادینه نشدن معنویت و اخلاق است. اگر معنویت واقعی در تمام جوامع نهادینه شود، جهان‌خواری و سلطه‌طلبی‌های مستکبران در سطح جهان نیز از میان خواهد رفت. یکی از شاهکارهای حکومت مهدوی نیز همین نهادینه کردن معنویت و ساختن انسان‌ها از درون است که به برقراری عدالت جهانی منجر می‌شود.



۳. گستره ادبیات داستانی

منظور از گستره ادبیات دو چیز است: ۱. شمولیت انواع ادبیات داستانی که در تعریف میرصادقی گذشت؛ یعنی «هر اثر روایتی منشور خلاقانه‌ای که با دنیای واقعی ارتباط معناداری داشته باشد». این یعنی انواع داستان و رمان از حیث کوتاه و بلند و از حیث دسته‌بندی بر اساس مخاطب (کودک، نوجوان، جوان، بزرگسال و عمومی) و ۲. شمولیت انواع مضمون و موضوع معنویت محوری که می‌شود از طریق ادبیات داستانی آن‌ها را گسترش داد تا در اختیار مخاطبان جهانی قرار بگیرد. پس ادبیات داستانی با توجه به این گستردگی‌اش به هر دو معنا، می‌تواند وسیله بسیار پرثمری برای گسترش معنویت اسلامی در جهان و برای انسان باشد.

۴. کارایی ادبیات داستانی

برخی بر این باورند که «آنچه امروزه سیاست‌مداران در حیطه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی طرح می‌کنند، سال‌ها پیش خوراک ادبیات متعهد بوده است. همه این آرزوها، در ذهن ادبی جامعه ما طرح و بررسی شده، صیقل خورده و تبدیل به اثر هنری قابل عرضه و جریان سازی گردیده است. به این ترتیب، می‌بینیم که عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، به وفور از چشمه جوشان ادبیات بهره می‌گیرند. پس نسبت ادبیات با آبخورهای فکری بیش از سایر زمینه‌ها است». (شفیعی، ۱۳۸۰) برخی از نویسندگان کارکردهای داستان [ادبیات داستانی] را با رویکرد روانشناختی این گونه نام برده‌اند: «تغییر خلق یا افزایش سطح انرژی فرد یا گروه، نشان دادن یک رفتار یا نگرش از زوایای گوناگون، آموختن نکات مهم به طور غیرمستقیم، تقویت خلاقیت ذهنی و ساده‌سازی ایده‌های پیچیده» (ر.ک. سلیمی، ۱۳۸۹: ۴۷)

در سطح جهان نیز بسیاری از فرهنگ‌ها، آداب و رسوم، تفکرات انقلابی و حزبی، از طریق ادبیات داستانی در جوامع انسانی گسترش یافته است. بنابراین در این که ادبیات داستانی ظرفیت بالایی برای پرداخت، معرفی و گسترش مضامین موردنظر نویسنده دارد، شکی نیست؛ اما کارایی آن در زمینه گسترش معنویت اسلامی به میزان



تعهد و توانایی ادبی نویسنده بستگی دارد. برخی از شواهد کارایی ادبیات داستانی از این قرار است:

۱-۴. تجربه علمی تأثیر داستان بر مغز انسان

امروزه روایت‌درمانی در روان‌شناسی یکی از راه‌های اساسی و مهم قلمداد می‌شود و کاربرد فراوانی دارد. بر همین اساس پژوهشگران نیز در زمینه قدرت داستان و علل و جذب‌کنندگی آن، پژوهش‌ها و آزمایش‌هایی انجام داده و به نتایج علمی-تجربی خوبی هم دست یافته‌اند. این نتایج می‌تواند برای دغدغه‌مندان امر تربیت و معنویت در راستای به کارگیری ادبیات داستانی با این هدف، اطمینان‌آور باشد.

پژوهشگران به دنبال یافتن راز تأثیرگذاری داستان‌ها از تکنولوژی‌های پیشرفته اسکن مغز استفاده کرده‌اند. از جمله دانشمندان نورولوژیست (یشرون و همکاران، ۲۰۱۷) فعالیت مغز را هنگام یادگیری از طریق سخنرانی و هنگام شنیدن داستان به وسیله روش (Functional Magnetic Resonance Imaging) یا (fMRI) مقایسه کردند. نتیجه کارشان نشان داد که در ارائه مطالب به صورت سخنرانی تنها بخش پیش‌پیشانی و بخش ورنیکه فعالیت شدید نشان می‌دهد؛ اما وقتی برای انتقال مفاهیم از داستان استفاده می‌شود، کل مغز درگیر فعالیت می‌شود؛ زیرا مغز شنونده وقت شنیدن داستان، هم‌زمان درگیر تفکر، برنامه‌ریزی، هیجان، تصویرسازی ذهنی و تجسم می‌شود. (ر.ک. فیروزی، ۱۳۹۶: ۹۸-۹۹. به نقل از: اوتاتی، رینستروم و پرایس، ۲۰۱۴: ۱۸۰)

قسمت‌هایی از مغز به نام بروکا و ورنیکه شناخته می‌شوند که مسئول فعالیت‌های زبانی هستند و کار اصلی آن‌ها درک زبان است. این مناطق مغزی، کلمات نوشته شده را طوری تغییر می‌دهند و آن‌طور تفسیر می‌کنند که خواننده آن‌ها را کاملاً درک کند. داستان‌ها ظرفیتی به نام پارادولیا دارد؛ یعنی معنابخشی به الگوهایی که در واقع وجود ندارند؛ چنانکه انسان برای درک تصاویر مبهم تلاش بیشتری می‌کند که باعث ترشح هورمون اکسی توسین می‌شود. هورمونی که به هورمون عشق و اخلاق مشهور است و میزان علاقه‌مندی و همدلی افراد را به هموعانشان افزایش می‌دهد. داستان نیز برای



درک شدن، ظرفیت پارادولیا را در ذهن مخاطب فعال می‌کند. همین ویژگی داستان‌ها باعث جذابیت آن‌ها برای مخاطب می‌شود. (همو: ۹۹. به نقل از هررا، ۲۰۱۴: ۱۳۲ و هونشن و کلیگل، ۲۰۱۴: ۱۶۱)

روایت داستان تنها راهی است که قسمت‌هایی از مغز را فعال کند تا شنونده عقاید داستان را در قسمت‌هایی از باورهای شخصی خود بگنجاند. در پژوهشی نشان داده شد که وقتی دوست یا فردی خوشایند داستانی را تعریف می‌کرد، افراد دو هفته بعد محتوای داستان را به‌عنوان بخشی از باورهای و عقاید خودشان تلقی می‌کردند. به عقیده پژوهشگران، داستان‌گویی تنها راهی است که می‌شود عقاید را در ذهن دیگران کاشت. (همو: ۱۰۱. به نقل از: لوسیت اسکای، چن و توکر و هانی، ۲۰۱۶: ۱۶۶)

بنابراین علت جذابیت داستان نیز از همین جالب‌توجه بودن آن برای مخاطب کشف می‌شود؛ یعنی هر چیزی که باعث جلب توجه بیشتر مخاطب شود، باعث جذابیت و یادگیری بیشتر مضمون آن می‌شود. نمادها در ادبیات داستانی یکی از چیزهایی است که باعث جلب توجه مخاطب می‌شود. «نماد در ادبیات یعنی چیزی که هم معنای خود را می‌دهد و هم جانشین چیزی دیگری می‌شود یا غیر از معنای خود، چیزی دیگر را نیز برای مخاطب القا می‌کند». (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۷۰۴) مخاطب برای کشف این معنای جایگزین، دقت و توجه بیشتری به خرج می‌دهد که به عمق فهم و ماندگاری معنای آموخته شده منجر می‌شود.

۲-۴. پیشینه به خدمت گرفتن ادبیات داستانی

داستان از کهن‌ترین و ماندگارترین جنبه‌های هنری بشر و روش کهن برای تربیت و بیان اندیشه‌ها بوده است. حضور این هنر در زندگی تمام انسان‌ها در تمام سنین و در تمام فرهنگ‌ها، حکایت از قدرت جذب، ماندگاری و تأثیرگذاری آن دارد. خداوند نیز برای هدایت بشر، از ظرفیت داستان و قصه‌گویی کار گرفته است. شواهد فراوان وجود دارد که این مدعا را تأیید می‌کند. اینک به برخی از این شواهد با اختصار اشاره می‌شود:



۱-۲-۴. قرآن

داستان‌گویی یکی از شیوه‌های مهم تربیتی _ آموزشی قرآن کریم است که خداوند برای بیان و فهماندن منظور خود به کار گرفته است. هرچند در برخی موارد، هدف داستان آگاه کردن غافلان اعلام شده (یوسف: ۳)؛ اما در بسیاری از موارد دیگر، هدف رساندن پیام و فهماندن مفاهیم و مضامین بلندی است که شاید با روش‌های دیگر، به این آسانی قابل القا و انتقال نبوده است.

برانگیختن دوباره انسان‌ها در قیامت را با داستان حضرت عزیر (بقره: ۲۵۹)، نشان دادن قدرت و حکمت خود در زنده کردن انسان را با داستان پرندگان حضرت ابراهیم (بقره: ۲۶۰)، خدامحوری و تحت فرمان خدا بودن را با داستان قربانی شدن حضرت اسماعیل (صافات: ۱۰۲)، تدبیر و توانایی خود را با ماجرای تولد و نحوه بزرگ شدن حضرت موسی و ایمن ماندن از شر فرعون (قصص: ۷-۱۴) و نسوختن حضرت ابراهیم در آتش نمرود، (انبیاء: ۶۹) تولد حضرت عیسی (مریم: ۱۶-۳۳) و... می‌فهماند.

خداوند پس از بیان داستان اقوام و ملل گذشته، نیز مخاطبان قرآن را به عبرت و اندرزگیری از آن ماجراها دعوت می‌کند. این یعنی می‌خواهد از طریق بیان داستان، حس حقیقت‌پذیری و تربیت معنوی شدن مخاطبان قرآن را برانگیزاند که دلیلی برای اهمیت و نقش داستان در القا و آموزش مفاهیم و مضامین مورد نظر است. چنانکه علامه طباطبایی علت پرداختن قرآن به داستان انبیا و امم گذشته را همین مسئله می‌داند و قائل است: «قرآن کتاب تاریخ نیست که به سرگذشت ملل گذشته از نیک و بد پردازد؛ بلکه کتاب هدایت است و هدفش از بیان داستان‌ها، تفهیم حق و تربیت انسان‌ها و فراهم کردن زمینه و عوامل سعادت دنیوی و اخروی آن‌ها است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰، ۲۴۷)

۲-۲-۴. آثار ادبی کهن فارسی

«ادبیات تعلیمی یا ارشادی _ اثر ادبی که هدف آن ارشاد و تعلیم است _ با موضوع اخلاقیات، مسائل و انتقادات اجتماعی و سیاسی و...» (داد، ۱۳۸۵: ۲۱) در عرفان و



تصوف جایگاه بلند و کارایی فراوان داشته و دارد. چنانکه حضور داستان‌های فراوانی در ادبیات کهن فارسی برای تعلیم دیگران، به وفور قابل مشاهده است. یقیناً عطار و مولوی و سعدی و... از جذابیت و قدرت داستان برای انتقال مفاهیم عرفانی و اخلاقی آگاه بوده و روش انتقال مفهوم از طریق داستان را مؤثرتر و ماندگارتر می‌دانسته‌اند. چنانکه فردوسی نیز برای تبیین مضامین حماسی‌اش ادبیات را به خدمت گرفت و ماندگاری اثرش را تضمین کرد. این حضور پررنگ داستان در ادبیات کهن فارسی می‌تواند شاهد دیگری بر ظرفیت‌های ادبیات داستانی برای گسترش مفاهیم و مضامین از جمله معنویت اسلامی در زمان کنونی باشد.

۳-۲-۴. نقش ادبیات در انقلاب‌های بشری (سیاسی - ایدئولوژیکی)

نقش ادبیات در انقلاب‌ها، در تاریخ ادبیات جهان ثبت است. این نقش یا در بیداری و آگاهی مردم یا شیوه‌های مبارزه مردم یا معرفی حکومت‌های استبدادی مستحق براندازی قبل از انقلاب یا در معرفی جنبش‌های مردمی و انقلاب‌های مورد خواست نویسندگان و شاعران پس از انقلاب‌ها بوده است. هرچند ممکن است علل و عوامل اصلی انقلاب‌ها سیاسی، اقتصادی، دینی و... با هر ایدئولوژی باشد؛ اما نقش ادبیات به عنوان یکی از پشتوانه‌های قوی آن‌ها هرگز قابل انکار نیست. البته منظور این نیست که هر حرکتی مورد حمایت ادبیات خوب است، بلکه منظور بیان قدرت و نقش اساسی ادبیات در تأثیرگذاری است. «ادبیات داستانی می‌تواند تمام زندگی بشری را با تمامی ابعادش به تصویر بکشد و اطلاعات ضروری مربوط به آن را ثبت کند. در این میان، حوادث و رویدادهای بزرگ، نادر و ماجراجویانه چون انقلاب، در بستر و قالب ادبیات می‌تواند بهتر قوام یابد». (پارسی نژاد، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۰) چنانکه درباره نقش ادبیات در انقلاب بزرگ فرانسه و انقلاب بلشویک روسیه سخن‌ها گفته شده است.

۵. ادبیات داستانی در خدمت باورهای بشری

در خدمت اندیشه و فرهنگ بودن ادبیات عموماً و ادبیات داستانی خصوصاً، پیشینه



طولانی در تاریخ بشر دارد. پیشینهٔ اقبال انسان‌ها از کودکی تا نوجوانی و جوانی و میان‌سالی از قصه و داستان در قالب ادبیات کودک و نوجوان و عمومی، زمینهٔ این در خدمت اندیشه و فرهنگ بودن ادبیات داستانی را فراهم کرده است. این بهره‌گیری در عصر پسامدرن بسیار چشم‌گیرتر است. در ایران «در برخی قصه‌های دودهنهٔ اخیر، گرایش عرفانی از قسم چینی، هندی، مسیحی و حتی سرخ‌پوستی آن، منعکس شده است. این جاذبه‌ها را در سگ و زمستان بلند، طوبا و معنای شب، برج‌های قدیمی، آشتی بر مزار بیداری، رازهای سرزمین من، می‌توان دید؛ اما هیچ‌یک از این جاذبه‌ها و گرایش‌ها، عرفان یا در واقع عرفان ایرانی-اسلامی نیست و بیشتر متأثر از تفکر صوفیانهٔ اگزیستانسیالیستی، یا یوگی است» (دستغیب، ۱۳۷۱: ۲۰۴) از اوایل دههٔ هفتاد ترجمهٔ آثار پائولو کوئیلو آغاز و به یک جریان عرفانی نوظهور منجر شد. در حالی که آثار او بازتاب تخیلی تجربه‌های مادی و معنوی زندگی شخصی خودش است (ر.ک. سرشار، ۱۳۹۰: ۴۷۲-۴۷۳) که مصداق کامل تکثرگرایی دینی (همو: ۴۸۲) و دین بدون شریعت است. (همو: ۴۸۰)

اینکه پائولو کوئیلو موفق می‌شود معنویت کاذب و خودتعریف شده‌اش را از طریق آثار داستانی‌اش (ادبیات آمریکای لاتین) در ایران راه‌اندازی کند و جمع‌کثیری را مرید خود گرداند، هرچند یک علتش نبود کارهای ادبی قوی جایگزین است؛ اما از قدرت ادبیات داستانی کوئیلو در جذب این مریدان نباید غافل بود. هر پدیده‌ای وقتی رقیب یا مانعی نداشته باشد و جای خالی پیدا کند، به زودی آن جای خالی را اشغال و به گسترش آغاز می‌کند. اندیشهٔ معنوی کوئیلو از همین فرصت خالی بودن جای معنویت در ادبیات داستانی استفاده کرده و در حال گسترش است. درحالی‌که ادبیات داستانی فارسی برای طرح هر اندیشه و ایدهٔ ارزشی و معنوی، هم‌توانایی لازم و هم ظرفیت بالایی دارد. پس چرا در خدمت معنویت اصیل اسلامی نباشد! این در حالی است که دورنمای معنوی داستانی و الگوهای شخصیتی (کهن‌الگو) نیز در جهان اسلام و مخصوصاً تشیع فراوان است.

۶. ادبیات داستانی و ارائه الگوی زیست معنوی

در متون دینی، اسوه (مرادف الگو) فراوان به کار رفته که به معنای «نمونه، سرمشق به ویژه نمونه و سرمشق عالی» است. (انوری، ۱۳۸۱: ۱، ۴۱۶) یعنی «قرآن آنجا که افرادی را به عنوان اسوه ذکر می‌کند، توجهی به شخصیت دنیایی آن‌ها ندارد، شخصیت اخلاقی و انسانی را در نظر می‌گیرد». (مطهری، بی‌تا: ۲، ۳۷۳) از این رو قرآن کریم شخصیت‌های چون پیامبران بزرگ مثل حضرت ابراهیم^(ع) (ممتحنه: ۴) و حضرت پیامبر اسلام^(ص) (احزاب: ۲۱) را اسوه معرفی کرده که به دلیل داشتن صفات ارزنده انسانی و سجایای اخلاقی و معنوی، شایسته پیروی هستند؛ مثلاً وقتی پیامبر اسلام^(ص) را الگو معرفی می‌کند، یعنی او «در ایمان و توکلش، در اخلاص و شجاعتش، در نظم و نظافتش و در زهد و تقوایش» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷، ۲۶۵) در خدامحوری و اینکه تسلیم او امر خدا بودن در تمام زندگی‌اش موج می‌زند، شایسته پیروی است.

در علوم اجتماعی نیز الگوها، «آن شیوه‌هایی از زندگی هستند که از فرهنگ نشئت می‌گیرند و افراد هنگام عمل، به‌طور طبیعی با این الگوها سروکار دارند و اعمال‌شان با این الگوها تطابق می‌یابد». (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۶۰) در این میان «قصه‌ها، داستان‌های آموزشی‌اند که به‌صورت غیرمستقیم؛ اما بسیار با قدرت، معانی متفاوتی را برای بازسازی تجارب فرد و ارائه نگاهی نو از چشم‌انداز غیرمنتظره یا غیرعادی ارائه می‌کنند.» (مسبوق و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۸۵-۲۰۸) بنابراین با همین قدرت می‌توانند الگوی برتر در قالب شخصیت‌های داستانی برای زندگی افراد و مخاطبان خود معرفی کنند.

۷. ظرفیت‌های ادبیات داستانی برای معرفی معنویت اسلامی

ادبیات زبان مشترک تمام انسان‌ها است. به همین دلیل توانایی حمل بار فرهنگ و آموزه‌ها و آداب و رسوم را دارد. این آموزه می‌تواند معنویت اصیل اسلامی باشد. ارائه اخلاق اسلامی، روح عفو و عبادت، اخلاص و ایثار، انفاق و انسان‌دوستی،



عدالت‌گستری و حق‌محوری، مهربانی و عشق‌ورزی در خانه و فرزندپروری بر اساس آموزه‌های اسلامی و انقلابی، استکبار و مظلوم‌نوازی (كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا. نهج البلاغه، ن ۴۷)، در قالب ادبیات داستانی قابل عرضه است. هریک از این مفاهیم وقتی در قالب داستان ارائه شود، قدرت تأثیرگذاری بیشتری می‌یابد؛ زیرا داستان هنر است و هنر زیبایی را به مخاطب نشان می‌دهد و کنترل احساس و عواطف مخاطب را به دست می‌گیرد که اگر هنر مقدس باشد، فراتر از کنترل عواطف نیز عمل می‌کند.

با این نگرش، ادبیات داستانی معنویت‌محور حتی ظرفیت مکتب ادبی شدن دارد که می‌تواند «مکتب ادبی معنوی» یا شبیه این، نام داشته باشد. اینکه بخواهیم روند ادبیات داستانی امروز را به سمت معنویت‌گرایی و معنویت‌محوری سوق بدهیم، حرف کلان و شاید ناممکن باشد؛ اما می‌شود طیفی از نویسندگان متعهد به اسلام را پشتیبانی کرد که روند خاص ادبی با محتوا و محوریت معنویت اسلامی و آرمان‌های مقدس ایجاد کنند.

در این‌که اصل مضمون آثار داستانی معنوی باشد یا کنش‌هایی داستانی شخصیت‌ها یا مثلاً یک بینش یا کنش معنوی باعث موفقیت قهرمان/قهرمانان داستان شود یا مضمون چگونه پردازش شود که هم ارزش هنری آثار حفظ شود و هم برای مخاطب جذاب و تأثیرگذار باشد، به توانایی ادبی-هنری و دغدغه‌های معنوی-انقلابی نویسندگان بستگی دارد؛ اما اجمالاً گفتنی است که معرفی و ارائه معنویت در قالب ادبیات داستانی در دو محور اصلی قابل عرضه و ارائه است:

۱-۷. معنویت اسلامی در بینش شخصیت‌های داستانی

اصلی در ادبیات داستانی مورد توجه نویسندگان است که از آن به «نگو، نشان بده» یاد می‌شود؛ یعنی نویسنده به جای مستقیم‌گویی که گاهی به پرگویی می‌انجامد، باید در خلال روایت و به کمک توصیف کنش‌ها و واکنش‌ها (عمل‌های داستانی) و فضاسازی، به مخاطب اطلاعات بدهد. این گونه، ذهن او برای درک اصل موضوع و مضمون، بیشتر درگیر می‌شود. اگر این اصل در ادبیات داستانی خوب رعایت شود،



مخاطب می‌تواند بینش و تفکرات شخصیت‌ها یا قهرمانان داستان را نیز بخواند و بداند؛ زیرا نویسنده توانسته آن‌ها را در عمل‌های داستانی شخصیت‌ها نشان داده است. پس می‌شود معنویت اسلامی را از طریق ایده‌ها و اندیشه‌ها و تفکر شخصیت‌های داستان برای مخاطب القا کرد و سبک زندگی او را جهت داد.

انسان معنوی همواره با پرسش‌هایی از درون خود مواجه است؛ پرسش‌هایی که جواب آن‌ها سنگ‌بنای سبک زندگی انسان را تشکیل می‌دهد. من کی‌ام؟ از کجا آمده‌ام؟ برای چه آمده‌ام؟ و به کجا می‌روم؟ اهم این پرسش‌ها است. جواب این پرسش‌ها که از خودشناسی آغاز می‌شود، به هستی‌شناسی، خداشناسی و معادشناسی می‌انجامد. در مسیر رسیدن انسان به این جواب‌ها، زندگی معنوی او شکل می‌گیرد و مصادیق معنویت در آن نمود می‌یابد. در این بازار پرغوغای معنویت که هرکس متاع ورزشی و درمانی و... خود را به عنوان معنویت عرضه می‌کند، باید معیارهای زندگی معنوی واقعی نیز عرضه شود. ادبیات داستانی برای این عرضه کردن، مناسب‌ترین بستر و خدامحوری با یک سری آموزه‌هایی که لازمه بینش خدامحورانه است، بارزترین معیار زندگی معنوی است که می‌شود از طریق ادبیات داستانی معرفی و ترویج کرد.

خدامحوری (به معنای اینکه او خالق جهان و انسان است و کمال انسان در شناخت و قرب او است)، شریعت محوری، راهنمامحوری، انسان‌محوری، معادمحوری از لوازم دیگر زیست معنوی و خدامحورانه است. شریعت محوری به این معنا که برای رسیدن به آن کمال و قرب، باید مطیع فرمان صاحب شریعت بود و از مسیری که او تعیین کرده، باید راهی شد. راهنمامحوری یعنی آموزه‌های این شریعت آن خدای خالق را از راهنمای مورد اطمینان فرستاده شده از سوی همان خدا باید آموخت و مسیر تعیین شده را باید طبق راهنمایی او طی کرد. انسان محوری نه به آن معنا که در معنویت سکولار مطرح است، بلکه به این معنا که انسان به عنوان مخلوق برتر آن خدا و خلیفه او در زمین، استحقاق رسیدن به کمال در خور شأن خود را دارد. خداوند هم آن کمال و هم راه‌های رسیدن به آن را به این مخلوق برینش نشان داده



است. پس انسان باید به آن کمال برسد. آینده نگری واقعی (معاد باوری) به این معنا که تمام لوازم و امکانات دنیوی انسان باید طوری به کار گرفته شود که به بهتر شدن زندگی اخروی او بینجامد. این یعنی در زیست معنوی از تمام امکانات دنیوی می‌شود استفاده کرد؛ اما باید طوری استفاده شود که لوازم و امکانات زندگی اخروی نیز فراهم گردد.

چنانکه در این آیه شریفه تبیین شده است: [وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ] و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بساز و سهمت را از دنیا فراموش نکن. چنانکه خدا به تونیکی کرده، نیکی کن و در زمین دنبال فساد نباش که خدا فسادگران را دوست ندارد. (قصص: ۷۷) با بینش (جهانبینی) دینی تمام آفرینش چنانکه آفریده خداوند است، بقا و دوام خود را نیز وامدار وجود و درایت او است. انسان متدین با این بینش، خود و تمام هستی را هدفدار، تحت درایت خداوند و مبتنی بر حکمت او می‌داند. از سویی چون خود را به مقتضای انسان بودنش، مسئول کرده‌هایش می‌داند، تمام جوانب زندگی‌اش را با بینش و بصیرت دینی تحت نظر دارد و با ایمان به روز حساب، برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کند. ادبیات داستانی ظرفیتِ پردازشِ تمامِ این مفاهیم را دارد. پس می‌تواند بستر مناسبی برای گسترش معنویت اسلامی در جهان باشد.

۲-۷. معنویت اسلامی در کنش و واکنش شخصیت‌های داستانی

انسان معنوی، تمام فعالیت‌ها و کنش‌های ریز و درشت خود را به جایز و غیر آن تقسیم کرده و درخور واکنش می‌داند؛ زیرا بر اساس آموزه‌های دینی‌اش، به‌خوبی می‌داند که تمام کنش‌ها و واکنش‌هایش در قالب پاداش یا کیفر به او باز خواهد گشت. اصلاً انسان معنوی می‌داند که یکی از فلسفه‌های وقوع قیامت این است که هرکسی جزای تلاش خود را دریافت کند (لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى) (طه: ۱۵) ضمن این که می‌داند واکنش بسیاری از کنش‌هایش ممکن است در دنیا نصیبش گردد؛ (وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ). (شوری: ۳۰)



پس شخصیت معنوی داستانی، با نگاه معنویت محور و بر اساس بایدها و نبایدهای شرعی، مواظب تمام کنش‌ها و واکنش‌های خود است و ادبیات داستانی می‌تواند این مفاهیم بلند معنوی را در قالب اعمال داستانی شخصیت‌های داستان، به مخاطب منتقل کند و باعث گسترش معنویت اسلامی شود.

۸. ادبیات داستانی و مؤلفه‌های معنویت اسلامی

مضمون یا «درون‌مایه فکر و اندیشه حاکم بر داستان است که جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد. (ر.ک. میرصادقی، ۱۳۹۴: ۲۲۹) در صحبت از داستان، توجه ما پیوسته به فکر و معنای حاکم بر داستان است و این توجه طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا شناخت عمیق عمل یا عمل داستانی یا شخصیت‌های داستان منوط به درک و فهم معنای حاکم و مسلط بر داستان، یعنی مضمون آن است» (همو، ۱۳۹۴: ۲۲۷)

با این تبیین از مضمون یا درونمایه، ادبیات داستانی می‌تواند حاوی و حامل فکر و اندیشه‌ای باشد که معنویت اسلامی را به مخاطب معرفی کند یا ویژگی‌های معنویت اسلامی را با تکنیک‌های هنری طوری برجسته نماید که باعث جذب مخاطب شود. به چند مورد از ویژگی‌های معنویت اسلامی که می‌شود از طریق درونمایه ادبیات داستانی معرفی گردد، اشاره می‌شود:

۸-۱. منبع مطمئن

معنویت اسلامی از منابع مطمئنی (خدا و معصومین) سرچشمه می‌گیرد که در صورت گرویدن به آن، هیچ‌گونه دلهره و اضطرابی ناشی از خطر، خطا، بیهودگی، بی‌نتیجگی و... انسان را تهدید نمی‌کند. درحالی‌که بسیاری از مکاتب مدعی معنویت، بر بافته‌های انسان‌های غیر معصوم استوار است و برخی از مؤسسين آن‌ها، خود در انواع فساد و فحشا غوطه‌ورند.

۸-۲. جامعیت

جامعیت معنویت اسلامی، با یک نگاه به این معنا است که تمام کنش‌ها و



واکنش‌های رفتاری و فکری انسان را (از نیت تا نگاه، خوردن و نوشیدن، شنیدن و پوشیدن، ازدواج، معامله، عبادت، قضاوت و...) پوشش می‌دهد. این جامعیت که از بایدها و نبایدهای شریعت اسلامی برمی‌خیزد، زندگی مسلمان را رنگ و رونق می‌دهد و او را به رستگاری و خوشبختی می‌رساند؛ اما با نگاه دیگر به معنای جمع و تلفیق خواسته‌های دنیوی و اخروی انسان است. با این توضیح که گوش به فرمان شرع بودن و با بینش اسلامی، معنوی زیستن هرگز به معنای طرد یا سرکوب خواسته‌های دنیوی انسان نیست؛ بلکه انسان را بر اساس هدف خلقت و فطرتش در یک مدار معتدل جهت‌دهی می‌نماید. چنانکه با ذکر آیه ۷۷ سوره قصص در همین مقاله گذشت. پیشوایان دینی و معنوی که الگوی زندگی مسلمانان هستند، نیز تعامل زاهدانه با ظواهر دنیا داشتند؛ یعنی دل‌بسته‌داری‌های دنیوی نبودند، نه آنکه از دنیا و امکانات آن بریده باشند.

۳-۸. پایه‌های محکم اعتقادی

در برداشتن مدلل‌ترین عقاید (مبدأباوری و معادباوری)، از دیگر ویژگی‌های معنویت اسلامی است که آن را در نگاه انسان امروزی که اکثراً با علم و عقل و استدلال سرو کار دارند، جذاب و اطمینان‌آور می‌کند. اعمال و اخلاق و در نتیجه شخصیت انسان متدین، بر اساس همین آموزه‌های اعتقادی شکل می‌گیرد.

از مفاد بسیار ارزنده معنویت اسلامی که از معادباوری ناشی می‌شود، امید داشتن به آینده است که سختی‌های زندگی آمیخته با معنویت را به امید رسیدن به پاداش اخروی برای انسان آسان و لذیذ می‌کند و با همین امید لذت‌های زودگذر حرام دنیا را در نگاه انسان منفور می‌نماید.

۴-۸. طراحی شده بر اساس نیازهای فطری انسان

میل به تعالی و ترقی، پرستش و معنویت خواهی، ایدئال‌گرایی و در جستجوی بی‌نهایت بودن از امور فطری انسان است. بسیاری از گروندگان به فرقه‌های معنوی نوظهور، برای پاسخگویی به ندای درون خود به پا می‌خیزند؛ اما به دلایلی در



مسیر انحرافی گرفتار شیادان می‌شوند. درحالی‌که «در حقیقت این بی‌نهایتی که او می‌خواهد، خود خداوند است. این خداجویی، از نظر قرآن فطری او است که اگر با نور عقل و معرفت و معنویت هدایت نشود، خود و جهان را فاسد می‌کند؛ زیرا این میل اراده و غرایز انسان را در راه فساد و فرعونیت می‌کشانند». (انصاریان، ۱۳۸۶: ۳، ۱۶۵)

معنویت اسلامی از سوی خالق انسان عرضه شده است. خالق هم مبتنی بر آگاهی کاملی که به تمام زوایای شخصیتی و نیازهای فردی (روحانی و جسمانی) و اجتماعی و... مخلوقش دارد، برای رفع نیازهای او برنامه می‌دهد. برنامه‌ای برخاسته از آگاهی، هم کامل است هم در زندگی دنیوی و اخروی انسان کارآمد است و هم برای فهم و تحمل و عمل کردن، در حد توان روح و جسم انسان است.

۵-۸. سازگاری با عقل

هر طرح و ایده مکتبی که با عقل‌گرایی پشتیبانی شود و باورهایش قابل تحلیل و توجیه عقلی باشد، از شانس بیشتری برای گسترش، دوام و بقا بهره‌مند است. در بینش اسلامی، عقل از منزلت بلند و اهمیت والایی برخوردار است و نقش و جایگاه ویژه‌ای در حیات معنوی او دارد. به همین منظور افرادی که اهل اندیشه و تعقل نیستند، بدترین جنبندگان روی زمین‌اند که حتی توان گفتن و دیدن و شنیدن هم ندارند. (ر.ک. انفال: ۲۲ و یونس: ۱۰۰) عقل سلیم و اختیار در رد و پذیرش آموزه‌های اسلامی در کنار هم قرار دارد. بنابراین انسان باید به معنویت برتر و حقیقی برسد و آن معنویت است که در پرتو دین حق (اسلام) و از آیات کتاب حق (قرآن) به دست آمدنی است.

۶-۸. آرامش روانی

یکی از شعارهای معنویت‌های نوپدید، درمانگری روانی و آرامش‌دهی است که برای انسانی افسرده و خسته امروز، بسیار هم جذاب و دل‌فریب است. فراهم کردن آرامش اعصاب و دور شدن از رنج‌ها، از بیشترین دغدغه معنویت‌های نوظهور است. با



همین شعارها در راستای عضوگیری و... موفق هم هستند. درحالی که اگر آرامشی هم در کار باشد، موقت و تخطیری است؛ اما اسلام با ارتقای سطح بینش و استحکام پایه‌های باور افراد، ذهن و روان آنان را در برابر درد و رنج زندگی پولادین و نفوذناپذیر می‌کند و با بیان حکمت بلاها و وعده پاداش، توان افراد را برای تحمل رنج‌ها بالا برده و دل آنان را سرشار از امید می‌کند.

کسی که ژرفای جانش را ایمان به خدا فراگرفته باشد، «بر پایگاهی متکی است که هیچ حادثه و گرفتاری تکانش نمی‌دهد. چنین کسی امور خود را بر پایه معارفی بنا نهاده که شک و اضطراب قبول نمی‌کند و در اعمالش با روحیه‌ای اقدام می‌کند که از امر و نهی خدا نشئت گرفته است. از این‌رو، از فوت و فقدان و دگرگونی آن هراسی ندارد»؛ (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲، ۴۴۰) زیرا او به این گفتار خدا ایمان دارد: (اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ) (آل عمران: ۶۸) و می‌داند که آرامش هدیه‌ای است که خداوند به افراد مؤمن و معنوی عطا کرده است (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرْدُدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ). (فتح: ۴)

این هدیه‌ی خدا برای انسان مؤمن و معنوی در عصری که بسیاری از مردم در اثر زندگی صنعتی و ازدیاد فساد و فحشا در چنگ اضطراب‌های روانی در حال له شدن هستند، بسیار ارزشمند و قابل قدر است.

ادبیات داستانی در راستای گسترش معنویت اسلامی ظرفیت معرفی این ویژگی‌ها را دارد. اصلاً به عقیده برخی از نویسندگان: «وظیفه اصلی ادبیات داستانی، طرح مسائل اخلاقی و معنوی است. اگر اخلاق و معنویت را از ادبیات داستانی بگیرند، دیگر چیزی برایش باقی نمی‌ماند. ادبیات موظف است به طرح جامعه سالم بپردازد و مردم را از انجام کارهای ناشایست بازدارد. سوزان سان‌تگ (Susan Sontag) می‌گوید: «نویسندگان رمان، داستان و نمایشنامه، عملاً نمایندگان اخلاقی جامعه خود هستند. نویسندگان داستانی به کسی اطلاق می‌شود که بتواند درباره مسائل اخلاقی و معنوی فکر کند و دریابد [که] چه چیزهایی درست و چه چیزهایی غلط است...». (پارسی نژاد، ۵ اسفند ۱۳۹۵)



۹. اولویت ادبیات داستانی کودک و نوجوان برای گسترش معنویت اسلامی

بر اساس آموزه‌های تربیتی و اخلاقی دین اسلام، کودکی و نوجوانی بهترین زمان تربیت انسان است؛ زیرا هم انسان در این سنین برای یادگیری از استعداد خوبی برخوردار است و هم شخصیت و باورها در حال شکل‌گیری است. چنانکه حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در سفارشی به حضرت امام حسن^(ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغَلَ لُبُّكَ؛ (دل شخص جوان همانند زمین خالی است، هر تخمی که در آن بیفشانند، می‌رویاند. پس به آگاه کردن تو اقدام کردم، پیش از آنکه دلت سخت و عقلت سرگرم کاری شود.» (نهج البلاغه، ن ۳۱)

از افلاطون نیز در اهمیت قصه برای کودکان نقل شده است که: «باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایت‌هایی را که پذیرفته‌ایم، برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند که پرورشی که روح اطفال به وسیله حکایات حاصل می‌کنند، بیش از تربیتی است که جسم آن‌ها به وسیله ورزش پیدا می‌کند.» (رحماندوست، ۱۳۷۷)

بنابراین یکی از اولویت‌های متصدیان گسترش معنویت اسلامی از طریق علوم انسانی، باید پرداختن به این مسئله از طریق ادبیات داستانی کودک و نوجوان باشد. چه اینکه هم اقبال این دو قشر به قصه و داستان زیاد است و هم تربیت‌پذیری و یادگیری آنان به سهولت امکان‌پذیر است. این روش تربیتی، برای تربیت معنوی نسل نو، می‌تواند بسیار ثمربخش هم باشد.

نتیجه

کلمه و کلام معجزه‌جاودان اسلام است؛ این یعنی تأیید ارزش والای کلمات و معرفی قدرت آن‌ها در تبیین مضامین و آموزه‌های جهان‌شمول اسلام. ادبیات داستانی که هنر زبان است، در حوزه یاددهی و تأثیرگذاری از قدرت و ظرفیت بالایی برخوردار است. سنت دیرینه جاری در ادبیات فارسی شاهد این قدرتمندی است و از همه مهم‌تر خداوند نیز برای آموختن مضامین بلند ملکوتی به بشر از روش داستان‌گویی



استفاده کرده است کرده است. آزمایش‌های علمی امروز نیز نحوه عملکرد مغز را در هنگام یادگیری از طریق داستان ثابت و تأیید کرده است. در تاریخ ادبیات جهان نیز نقش ادبیات داستانی به عنوان پشتوانه انقلاب‌ها در بیداری و آگاهی یا تغییر نگرش ملت‌ها ثبت شده است. بنابراین در قدرتمندی ادبیات داستانی برای جذب مخاطب، تأثیرگذاری بر او و تغییر نگرش او هیچ شکی نیست. ادبیات متعهد یا الادب الملتزم، با همین درون‌مایه‌ها وارد ادبیات جهان شده است. این شواهد نشان می‌دهد که ادبیات داستانی برای گسترش هر نوع مضمونی، بستر مناسبی است. پس مضامین دینی و آموزه‌های معنوی و انقلابی، از جمله معنویت اسلامی می‌تواند از مضامین ادبیات داستانی باشد و از این طریق به دست انسان‌ها در سراسر جهان برسد. برای معرفی و گسترش معنویت اسلامی از طریق ظرفیت‌های ادبیات داستانی، می‌شود داستان را شخصیت محور نوشت. در این صورت، شخصیت یا قهرمان داستان به دلیل داشتن صفات و رفتار برجسته انسانی و معنوی، می‌تواند الگوی مخاطب قرار گیرد و در راستای گسترش معنویت اسلامی مؤثر واقع شود. اما اگر قرار باشد اولویتی برای گسترش معنویت اسلامی از طریق ادبیات داستانی در نظر گرفته شود، ادبیات داستانی کودک و نوجوان است؛ زیرا تربیت‌پذیری و یادگیری این دو قشر آسان‌تر است و توجه آنان به قصه و داستان، کارایی این روش را اطمینانی‌تر می‌کند.

فهرست منابع

الف: کتاب‌ها

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. اعوانی، غلام‌رضا، (۱۳۷۵) حکمت و هنر معنوی، تهران: گروس.
۲. انصاریان، حسین، (۱۳۸۶) عرفان اسلامی، ج ۳، قم: دارالعرفان.
۳. انوری، حسن، (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱ و ۷، تهران: سخن.
۴. بیرو، آلن، (۱۳۸۰) فرهنگ علوم اجتماعی، (ترجمه: باقر ساروخانی)، تهران: کیهان.
۵. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، (۱۳۸۹) مجموعه مقالات نقش معنویت در نبرد ناهم‌تراز، قم: زمزم هدایت.
۶. جرجانی، میرسیدشریف، (۱۴۱۲) التعریفات، تهران: ناصرخسرو.
۷. داد، سیما، (۱۳۸۵) فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
۸. دست‌غیب، عبدالعلی، (۱۳۷۱) گرایش‌های متضاد در ادبیات معاصر ایران، (مقاله عرفان و تاریخ)، تبریز: خنیا.
۹. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷) لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. رحماندوست، مصطفی، (۱۳۷۷) قصه‌گویی، اهمیت و راه و رسم آن؛ تهران: رشد.
۱۱. سرشار، محمدرضا، (۱۳۹۰)، ادبیات داستانی ایران پس از انقلاب اسلامی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. شاکر نژاد، احمد، (۱۳۹۷) معنویت‌گرایی جدید، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. شاکر نژاد، احمد، تاره، مسعود، (۱۳۹۷)، تبیین معنویت در فرهنگ و ادب فارسی، تهران: الگوی پیشرفت.



۱۴. شریفی، محمد، (۱۳۹۱)، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ نشر نو و نشر معین.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۶. _____، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی)، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. غفاری، سید احمد، (۱۳۹۷)، معنویت در ادیان ابراهیمی، تهران: موسسه حکمت و فلسفه ایران.
۱۸. فنائی اشکوری، محمد، (۱۳۷۷) دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی، قم، موسسه آموزشی امام خمینی (ره).
۱۹. مطهری، مرتضی، (بی تا)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ۳، ۲۱، ۲۲ و ۲۳، تهران: صدرا.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. ملکیان، مصطفی، (۱۳۸۱)، راهی به رهایی، تهران: نگاه معاصر.
۲۲. مهیار، رضا، (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، تهران: اسلامی.
۲۳. میر صادقی، جمال، (۱۳۹۴)، عناصر داستان، تهران: سخن.

ب: مقالات

۲۴. پارسی نژاد، کامران، (۱۳۸۸) رابطه دوسویه ادبیات و انقلاب، (زمانه؛ ماهنامه اندیشه، تاریخ و فرهنگ، سال؟، ش ۷۹-۸۰)
۲۵. رسولی، حجت، (۱۳۸۴) معیار تعهد در ادبیات، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۴۵ و ۴۶.
۲۶. سلیمی، حسین، (۱۳۸۹) کاربرد تمثیل در بازسازی شناختی، فصلنامه رشد آموزش مشاور مدرسه، دور پنجم، ش ۴، تابستان.



۲۷. فیروزی، منیژه، (۱۳۹۶)، اثرات نوروپسیکولوژیک داستان: (داستان چگونه ذهن را

دگرگون می‌کند؟ رویش روانشناسی، سال ششم، ش ۲۰، پاییز.

۲۸. محمدی، عبدالله، (۱۳۹۰)، نقد نظریه تباین دین و معنویت، فصلنامه معرفت

کلامی، سال دوم، ش ۲.

۲۹. مسبوق، سید مهدی و دیگران، (۱۳۹۵)، تأثیر داستان‌های قرآن بر سلامت روان

(مطالعه موردی داستان‌های سوره کهف)، فصلنامه، علمی-پژوهشی تحقیقات علوم

قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، سال ۱۳، ش ۳۰، تابستان.

ج: پایگاه‌های اینترنتی:

۳۰. پارسی نژاد، کامران، (۵ اسفند ۱۳۹۵) وظیفه ادبیات داستانی چیست؟، سایت

روزنامه قدس (قدس آنلاین: <http://www.qudsonline.ir/news/506754>)

۳۱. شفیعی، سیدضیاء الدین، (۱۳۸۰)، ادبیات متعهد، پشتاز اصلاحات اجتماعی

(گفتگو)، پگاه حوزه، ش ۱۴، خردادماه: <https://hawzah.net/fa/Magazine/>

(View/3814/7399/92123)